

سقیئنه سلیمانی (۱)

سقیئنه سلیمانی که سیاحان محیط عبودیت را از تصادم متلاطم افواج امواج
بیکران سرکشگی بساحل نجات تواند رسانید ستایش و ثنا و حمد و شکر بی انتهای
پادشاهیست که فلک قدرتش مجموع موجودات را از دریای بی پایان عدم بکنار عرضه
وجود کشانیده فیاضی که از دو قطره گوه رکن که از رشحات سحاب مکرمتش طراوت
منشأ بحار عالم هستی گردید . رحیمی که تادل بقراران سیاحان دریای امکان را
در تفرقه واضطراب دید بمضمون بلاغت مشحون و الفلک تجری فی البحر بنعمه الله
تسلی بخشیده و قادری که زورق زبان را در محیط دهان ... بذکر بسم الله مجریها و
مرسها روان گردانید.

اما بعد بر صفحه عرض مینگارد : بنده وضع **ابن محمد ابراهیم محمد**
ربیع محرر سرکار تفنگچیان که در زمان سلطنت معدلت توآمان و فرمانفرمای صاحب
قران جهان ممهد بساط امن و آمان خسرو گیتی ستان... ابوالمظفر ابوالمنصور **شاه**
سلیمان الصفوی الهوسوی الحسینی بهادر خان خلدالله ظللال مراحمه و احسانه
الیوم المیزان ... چون دانسته آمد که غرض اصلی و علت غائی از ازدواجات عالم
صوری جز الفت و التیام ما بین خاص و عام نیست خصوصاً فیما بین سلاطین جهاندار
و خواقین کماکار که صدر نشینان بزم برتری و برگزیدگان فلک بلند اختر یاند چه
این معنی باعث تذکار احوال خیر مآل سلاطین عالیقدر بر صحایف شهور و سنین روزگار
و منشأ آرامش عباد و آبادی بلاد و امضای خوض(؟) رسعی در آن باب نموده بمفتاح
رسل و رسایل در دوستی گشوده اند بناءً علی هذا در هنگام ارتفاع و استقامت نیر اعظم
جهانبانی بروسط السمای دولت جاودانی عالیحضرت مشتری سعادت طراز نده اورنگ

۱ - این کتاب که در واقع سفرنامه سیامش باید نامید توسط آقای احمد هلی
خوانساری در مجله دانش، علی مشیری در مجله کلاه آلمان و دکتر عباس فاروقی در مرز
های دانش معرفی شده و برای اولین بار مطالبی از متن کتاب در این صحایف چاپ میشود.
راهنمای مادر این راه آقای علی مشیری بوده اند و بدین وسیله از ایشان تشکر می کنیم. (و)

سلطنت کامرانی بر آرنده افسر خسروی و کلاه کیانی صاصب فیل سفید و تخت طلا محب
اهل اسلام سلطان ملك سیام و فقه الله تعالی للاسلام لمؤلفه :

مدحش بسست اینکه سرازروی اعتقاد بر آستان خسرو گیتی ستان نهاد
و دفتر محبت و اخلاص گشوده و پای نیاز در میدان ارادت گذارده و گوی

قصب السبق از همگنان ربوده از روی صفای طویت خلوص عقیدت را دست آوین
خود کرده مکرر اخلاص نامهجات با تحف و هدایا مصحوب معتمدان خود پدرگاه
عرش اشتباه فرستاده بعضی از بیطالعی غریق دریای بی نام و نشانی و برخی بدست
قاطعان طریق دریا گرفتار گردیده بمقصود فائز نگردیدند تا مجدداً
بتاریخ ایت ثیل ۱۰۹۳ حاجی سلیم مازندرانی را رسول اخلاص نامه خود که

مشمول بر مراتب یکرنگی و اتحاد بود نمود با تحفی که اورا مقدر و میسر می شد به آستان
فلك آشیان ارسال داشته مستدعی آن گردید که پیوسته بحر بیکران دوستی از آمد و شد
رسل و رسایل مواج و دماغ شخص محبت و الفت از تموج نسیم آن در ابتهاج باشد از
آنجا که لطف خاص و مرحمت عام و عنایت بیغایت شاهانه مالاکلام است سلسله
مرحمت نوربخش دیده پیر کنعان فضل و امشان یوسف مصر کرم و احسان بحر کت
در آمده لازم دانست که هرگاه آن نیر برج سلطنت با بضاعت مزجاة وسیله جوشده
باشد بمقتضای فاذا حییتیم بتحیة فحیوا باحسن منها اورا منظور عنایت اثر خویش و
بین الاقران مفتخر سازد لهذا محمد حسین بیگ غلام سرکار خصیصه شریفه را بخدمت
رسالت سرافراز و باتفاق جمعی از فورچیان و غلامان و توپچیان و تفنگچیان
بجهت تقدیم خدمات مأمور و چون از روزی که مستوفی قضا فهرست دفتر ایجاد کرده
فرد باطل وجود این بی وجود را داخل با افراد بنی نوع انسانی تعداد نمود همواره
گوش تمنا در آرزوی گوشوار گهر خدمتی تا سفینه بی قرینه که در مرتبه خدمتکاری
آوازه قدر و قیمتش بگوش هیچیک از همگنان تا این زمان نرسیده باشد و بدن
شخص مطلب در امید ادراک تشریف ثبت حکمی که بهمین امتیاز از اقران و امثال
تواند داشت میبود بنا بر آنکه آنچه نظم :

بهوس راست نیاید به تمنا نشود اندرین راه بسی خون جگر باید خورد

بر وفق مدعا بارزوی خود رسیده حسب الامر اشرف اعلی بخدمت واقعه

نویسی این سفر مأمور گردیده باین مطلب و امید که نظم :

نقدروان خویش نثار تو میکنم جانی که هست در ره کار تو میکنم

حباب آسا سر خویش در راه مطلب باینمدعا گذاشت نظم :

در بحر محیط غوطه خواهم خوردن یا غرق شدن یا خبری (گهری) آوردن

لهذا از روی امیدواری و اخلاص جلیلی و تشوق ذاتی متوجه تقدیم چنین

خدمت پر مشقتی گردید، که حسب الامکان بدایع و قایع و احوالات مناسب هر جا بدست یاری

بیان و پایدردی خامه توضیح توأمان بر پیشگاه عرصه عرض و بیان رساند بحمدالله که شخص آرزو پیرایه مطلب دربر کرده بحکم همایونش مفصلی بر معجز حکایت ملخ و مور و اعرابی و آب شور نوشته آمد میتواند امید که این گوهر گرانمایه اثر رشحات سحاب امر اشرف اعلی و مکنون خلاف خاطر فائز این ذره احقر و برطبق عرض جلوه گراست چون بنظر آفتاب اثر رسد بر وفق استدعائی که خرد را در اثنای تحریر این مطلب بخاطر رسیدن مؤلفه :

توسلیمان زمانی و من آن بیچاره مور ردمکن این تحفه را کاورده ام از راه دور از سایر تحف رجحان یافته بدرجه قبول رسد و چون طی بحران حکایات که به تنسم نسیم عنایات سبحانی و بامداد سفینه اقبال آن محیط فیوضات ربانی میشود هرگاه مجموعه و قیامی که بعرض آن مورد الطاف یزدانی میرسد از باب تسمیه مسبب باسم سبب موسوم به **سفینه سلیمانی** اش خوانند بجاست و بنا بر آنکه ناخدای جهاز سلیمانی را باین قلیل البضاعه ایزد بخشیده و هیچ ناخدائی بدون امتعه و اسباب بطرف مقصود کشتی خود را لنگر نکشیده پس اگر این سفینه را نیز با انواع جواهر سوانح و اقمشه بدایع نیکو مشحون و هر یک را به تحفه موسوم ساخته بنظر اکسیر اثر رساند رواست و زورق مطلب را در بحر مدعا روان میسازد که بتاريخ **بیست و پنجم شهر رجب سنه ۱۰۹۶** بعد از آنکه بسبب بعضی تعویقات تا ششماه در بندر عباسی توقیف روی داد از بندر مزبور مسافر بحر بی اساسی کشته قریب بآنکه کشتی آفتاب در بحر مغرب لنگر اندازد نسیم مراد متحرک گردیده کپتان و معلمان دریاورز حکم بعمله خویش کرده هنوز سرهنگ فلک طناب سیاه تاب لشکر ظلمانی شب را بردوار چرخ گردون محکم نساخته بود که لنگر کشیده روانه مقصود گردید و چون کناره و کوه تا چند شبانه روز نزدیک بود و بآنندک باد مخالفی دغدغه عظیم میرفت دل ساکنان آن **سفینه کالملاح فی السفینه و السفینه فی البحر** در تلاطم و توج میبود تا اینکه دست دل از میان طاقت جدا شده دل از آستین کنار کشید و کار شخص صبر و آرام به بیطاقتی و ناشکیبائی رسید و کناری که بچشم می آمد بغیر دامن تر نبود و معلم جان از تنگنای سفینه سینه در فکر رفتن از آن منزل و ناخدای روح از اوضاع برهم خوردگی در کار بیرون دویدن از زورق دل و ساکنان سفینه را سرها از حرکت چون پیمان نه مستان در گردیدن و مردم دیده از بیاض چشم بضمون **ظلمات بعضها فوق بعض** در عین سواد گشودن تا آنکه مقدم افلاک بجهت دیدن معتاد سرازخن خویش بر آورد و معلم سفینه آسمان در پیش عرشه فلک حقه آفتاب را برای دیدن راه در پیش نهادن سکان داران لیل نوبت خدمت را بسر هنگ صبح سپردند ناگاه صدای عظیم از سر کشتی برآمد. معلمان شروع بفغان و اضطراب کرده باد با نهای کشتی را گشودند و بر یسمانها

و طنا بها محکم نمودند بعد از تحقیق مشخص شد که دوش نوبت معلمی که بوده چون بخت خویش بغفلت غنوده چشم از راه پیش بینی پوشیده و با از طریق حزم و احتیاط کشیده کشتی را بطرف خرابه که عبارت از بلند و پستی است در دریا واقع بوده در حین طغیان و مد که ان شاء الله در مقام خود توضیح آن بتفصیل خواهد آمد آب روی آنها را میگیرد و آنقدر آبی که کشتی عبور کند ندارد و اگر بیشتر رود پسایش بسنگ آمده بسر در خواهد آمد و اگر قدری بگذرد و در کل آن بکل نشیند اجراء وجودش چون سفینه بی شیرازه از هم خواهد پاشید و ساکنان آن مکان به مقتضای کل شیئی **یرجع الی اصله** با خاک برابر خواهند شد.

چون چنین مقدمه روی داد همه باب دریای گرفتاری دست از جان شسته و چون مردم دیده از گریه همه آب از سر گذشته و مترصد غرق شدن نشسته و بمضمون **لا تقنطوا من رحمة الله** دست امید بدامن تمنا ورشته حصول مدعا را به سرانگشت دعا بسته برفیق **ادعونی استجب لکم** خاطر پریشان را جمعیت و اطمینان میداد که از این افغان و خروش بحر لطف یزدانی بجوش آمد و بدست یاری الیاس عنایت سبحانی سنبوکها بر آب انداخته برای کشتی آورده لنگها را در میان آن گذاشته بقدر دو میدان دور برده کشتی را بطرف مقصود کشیدند این بندگان با قبال بی زوال ابدی الاقبال از آن مهلکه پر وحشت و ملال خلاص یافتند و چون معلم آفتاب از عرشه فلک بدبوشه مغرب زمین شتافت رفته رفته بادی که بمضرب تخریکش نار رسما نهاء فلک در پرده با ناهید فلک در جنگ بود دست از راه برداشته مقام مخالف را شد و نا دوروز درین مقام درنگ کرد و بعد از آن حافظ آوازش سر از دایره اطاعت پیچید و پای گفتمار بدامن خموشی کشید و باعث ازدیاد محبت این زورق نشینان بحر سرگردانی گردید و چون این حرکت بر مشقت در عین قلب الاسد که سیاحان آنرا موسم گرما می خوانند روی داد اتفاقا هوا روش بادیمائی از سر گذاشت و نسیم صبا با بدامن سکون کشید و از شدت گرمی هوا عرصه دریا چون کوه مغناطیس در التهاب و قلاب اسد از شعله حرارت سوزان بیاد زن خط شعاعی آفتاب تکیاب و از حدت گرما دریا چون کوره آهن گران تافته و مرکز آب گره اثیر گشته نظم:

ز باد گرم پنداری که تقدیر بدنیای دوزخ دیگر فرستاد

اگر شراره گرمی هوا از کوره دل بر آید مضمون برنگه شعله جواله در نظر جلوه گر آید و اگر باغبان خرد بچیدن گل گلشن طبع تفته آید در دامن گلستان خاطر جز داغ لاله بدستش نیاید سبحان الله از گرمی دریائی که اگر از حرارت هوا شمع زبان در فانوس دهان از شعله بیان آتش گیرد بجاست و در سر گرمی این هنگام اگر